

زنان در جنبش جنگل

حبیبه جمشیدی بهمبری

نهضت جنگل، میرزا کوچک و همزمانش کمابیش مطرح و شناخته شده‌اند؛ اما موضوعی که کمتر به آن توجه و پرداخته شده، حضور و نقش زنان در جنبش جنگل است که با نثار مال و جان خود در این نهضت نقش مهمی داشتند.

در آن زمان افکار قابل تقدیری بین زنان گیلان رواج داشته و آنان نیز آماده‌ی قیامی فراگیر بودند. در ایامی که قوای جنگل با دشمنان درگیر جنگ بود، زنان در تامین آذوقه‌ی جنگلی‌ها نقش مهمی بر عهده داشتند؛ به طوری که گاه حتی زنان بر سر راه آنان ایستاده و هر یک به فراخور وضع و توانایی خود، به جنگلی‌ها هدایایی تقدیم می‌کردند.

سرنوشت قیام جنگل برای بخشی از زنان هم دارای اهمیت بود؛ چنان‌که پس از ورود میرزا به رشت پس از در هم کوبیدن قشون دولتی، زنان با شادی خاصی به پیشواز آمده بودند؛ چنان‌که فخرایی نوشته: آنان «زنده باد کوچک خان» می‌گفتند و متصل دست می‌زدند و گل‌هایی نثار مجاهدان می‌کردند.

در کنار قبر میرزا کوچک خان جنگلی، به سنگ قبر زنان زیادی برمی‌خوریم که نام آنها دارای پسوند جنگلی است: «بی بی جنگلی»، «بیگ خانم جنگلی» و... زنانی که احتمال دارد از همسران جنگلی‌ها و یاور آنان در پشت جبهه بوده و تاکنون کمتر به مشارکت آنان در جنبش جنگل پرداخته شده است.

فیلم داستانی تبلیغاتی روسی «گیل ~ دختر» که پس از شکست جنبش جنگل در جمهوری شوروی آذربایجان با بازی احسان‌الله خان در نقش خودش ساخته شده، به زنی به همین نام اشاره دارد؛ گیل ~ دختر که در داستان این فیلم زنی آزاده و همسر یک جنگلی است، پس از مرگ همسر به همراه فرزند خردسالش به صفوف جنگلی‌ها می‌پیوندد. این داستان اما تنها یادآوری است بر اهمیت نقش زنان در جنبش جنگل. چه موارد غیرداستانی هم بسیار است.

جنگلی‌ها بخشی از اسلحه‌ی مورد نیاز خود را از حمله‌های چریکی به نیروی اشغالگر در گیلان و توسط زنی به نام بلور خانم در منجیل مصادره می‌کردند. این زن خود کمین‌گذاری علیه انگلیسی‌ها و مصادره‌ی سلاح‌هایشان را رهبری می‌کرد و سپس آن‌ها را به جنگلی‌ها می‌داد. احمد کسمایی درباره‌ی واقعه جنگ ماکلوان روایت می‌کند که نزدیک ظهر دو زن تالشی دیدیم که پنج نفر قزاق را با ضرب چماق‌های خود دستگیر کرده و برای تحویل به اردو آوردند. گویا زن‌ها قزاق‌های سرگردان در جنگل را با تضمین مصونیت جانشان تشویق به تسلیم کرده بودند. او تأکید می‌کند که رفتار زنان تالش و زنان دهاتی باعث شده بود در روستاها و ایلات هم به رزمندگان کمک برسانند.

لشگرآرا در رساله‌ای، درباره‌ی همسر میرزا نوشته: «میرزا کوچک همسری داشت به نام بانو جواهر که او را صدیقه نیز می‌گفتند، یک سال و چند ماه پیش از درگذشت میرزا به همسری او درآمده بود، به گفته محمد نیاکان (هژبر) و حبیب‌الله خان مدنی (دو هم‌رزم میرزا) این بانوی دلیر پیش از آنکه باردار و صاحب فرزند شود لباس چریکی می‌پوشید و گاه در مبارزات میرزا در کنار او بود». او که در دشوارترین زمان و اوج ناامیدی، حاضر به جدایی و طلاق (که پیشنهاد میرزا بود برای رهایی از آزار و محنت بیشتر) نشد، از زنان موثر در جنبش جنگل است که میرزا درباره‌اش گفته: درس انسانیت را باید از شما بانوان آموخت زیرا روح و قلب تان از درک حقایق زندگی سرشار است...

عاقبت میرزا با نام یک زن در خلخال به نام عظمت خانم پیوند می‌خورد. عظمت خانم فولادلو همواره از میرزا و نهضت جنگل حمایت کرد و میرزا، پسر عظمت خانم، امیر نصرت را نایب والی گیلان قرار داد. گفته شده پس از شکست جنبش و گریز ناخواسته‌ی میرزا به کوهستان، او متوجه شهر خلخال گردید تا به آنجا پناهنده گردد؛ عظمت خانم فولادلو به محض شنیدن این خبر که میرزا قصد دارد نزد او بیاید، به رغم خطرات، چند صد سوار به پیشوازش فرستاد ولی دیگر دیر شده بود و میرزا در سرمای شدید ۱۱ آذر سال ۱۳۰۰ کشته شد.



عکس از فیلم «دختر گیلان» ساخته شوروی